امتیاز

یک‌شنبه ۷ دی ۱۳۹۹
۱۲ جمادی‌الاولی ۱۴۴۲ ● ۲۷ دسامبر ۲۰۲۰
شماره ۳۱۱۵ ● ۸ صفحه

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول:
غلامحسین شعبانی
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۶۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ - آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

اخبار

رونق کرونایی حراجی‌های هنری در اروپا

حراج‌خانه‌های هنری در دوران شیوع کرونا با چالش‌هایی چون محرومیت از حضور فیزیکی خریداران در اتاق‌های مزایده و افزایش شمار حراجی‌های برخط روبه‌رو شدند.

با وجود چالش‌های تکنولوژیکی، حراج‌خانه‌های معروف اروپا می‌گویند از آنجایی که مشتریانشان فوراً خود را با شرایط جدید وفق دادند، توانستند به خوبی از این بحران عبور کند. در برخی از موارد شرکت‌کنندگان در حراج‌های آنلاین دوران همه‌گیری حاضر شدند برای آثار هنری که حتی آن را از نزدیک ندیده بودند، میلیون‌ها یورو پول پرداخت کنند.

پیتر وهلر (Peter Wehrle) مدیر حراجی Ketterer Kunst آلمان می‌گوید: کسی فکرش را هم نمی‌کرد مشتریان با چنین سرعتی به فضای آنلاین روی آورند. همه‌گیری کرونا انگیزه بزرگی برای دیجیتالیزه شدن ایجاد کرد. در مواردی حتی پیشنهادهای بالای یک میلیون یورو هم از شرکت‌کنندگان آنلاین دریافت کردیم.

از گران‌قیمت‌ترین فروشهای امسال این حراجی آلمانی، یکی نقاشی کریستین و کرستین از گرهارد ریشتر هنرمند آلمانی بود که به قیمت ۲ میلیون و ۳۶۶ هزار یورو به فروش رفت و دیگری نقاشی رنگارنگ ارنست لودویگ کرشنر به نام خانه ما که به قیمت یک میلیون و ۷۰۰ هزار یورو فروخته شد. این حراج‌خانه سال ۲۰۲۰ میلادی را با فروش حدود ۶۱ میلیون یورو به پایان برد که با ۶۲ میلیون یورو فروش سال گذشته، تفاوت ناچیزی دارد. وهلر می‌گوید: نتیجه در مقایسه با آنچه ماه مارس (اسفند ۹۸- فروردین ۹۹) فکر می‌کردیم، شگفت‌انگیز است. همه فکر می‌کردند وضعیت به مراتب بدتر از این شود.حراج‌خانه‌های دیگر نیز درباره وضع بازار امسال نظر مشابهی دارند. دوریس کرومپل (Doris Krumpl) سخنگوی حراج‌خانه Dorotheum وین در این باره می‌گوید: اثر همه‌گیری کرونا به طرز حیرت‌انگیزی محدود بود. مارتین بوم (Martin Böhm) مدیرعامل این حراج‌خانه در بیانیه‌ای اعلام کرد، وبسایت این حراجی فقط در ماه ژوئن (خرداد- تیر ۹۹) به تنهایی یک میلیون بازدیدکننده داشت. وی می‌گوید: در این مدت شاهد هجوم مشتریان جدید و جوانانی بودیم که به حراج‌های ما علاقه نشان دادند.در میان گرانقیمت‌ترین فروش‌های امسال حراجی Dorotheum، تابلوی زن قرمز پوش در پس زمینه آبی اثر چایم سوتین نقاش معروف روس به قیمت یک میلیون و ۸۰۰ هزار یورو به فروش رفت، یک اثر کلیسایی از پیتر کویکه فن ایلست یک میلیون و ۱۰۰ هزار یورو فروخته شد و زوجی ناشناس تابلویی از گوستاو کلیمت نقاش معروف اتریشی را به قیمت ۴۷۵ هزار یورو خریدند و به موزه لئوپولد وین اهدا کردند. حراجی Kunsthaus Lemperrz شهر کلن حتی نسبت به سال گذشته نیز فروش بهتری داشت. این حراجی در سال ۲۰۱۹، ۵۴ میلیون دلار فروش کرد و امسال فروش آن به ۵۶ میلیون و ۲۰۰ هزار یورو رسید. بالاترین میزان فروش این حراجی در سال جاری میلادی به تابلوی قرن هفدهمی از ژرژ دولاتور نقاش معروف فرانسوی مربوط می‌شود که با ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار یورو فروش به گران‌قیمت‌ترین اثر کلاسیکی تبدیل شد که تاکنون در حراجی‌های آلمان معامله شده است. بسیاری از حراج‌خانه‌های اروپایی حتی پیش از شروع همه‌گیری کرونا نیز بخشی از کسب و کار خود را به پلتفرم های برخط انتقال داده بودند، اما شیوع این ویروس آنها را مجبور کرد به فکر استفاده از فرمت و قالبهای جدید باشند. به عنوان نمونه، در Ketterer Kunst از حراجهای آنلاین و برخط با پنج دوربین به صورت حرفه‌ای فیلمبرداری می‌شود و یکی از دوربین‌ها روی مسئولان پاسخگویی به تلفن مشتریان زوم شده تا با ایجاد حس تنش، موقعیت حضور فیزیکی در مزایده را بازسازی کند. تکنیکی که به گفته وهلر نتیجه داده و موثر واقع شده است.

این سینما حقیقت است؟

جشنواره «سینما حقیقت» که ازسویی می‌توان گفت، ویترین واقعیت سینمای مستند ایران یا نگاه رسمی به سینمای مستند و نیز نشان توقع رسمی از این مدیوم اثرگذار و جریان‌ساز بوده است. ازسویی دیگر اما شاید بتوان گفت، ویترینی بوده از حاصل و دستاورد سطح کیفی مدیریت در دولت جاری در حوزه سینمای مستند.

درواقع می‌توان گفت، اگراز خاطر نبرده باشیم که جشنواره «سینما حقیقت» در نخستین دوره صدرات دولت یازدهم، گشایشی را در به پرده راه یافتن فیلم‌ها و هنرمندان در محاق مانده ایجاد کرد، که به رونق حیات دوباره آن نیز انجامید، الان می‌توانیم بگوییم که حاصل سیر تکوینی هشت ساله‌ی آن تغییر و گشایش، جشنواره اخیر بوده که به زعم کارشناسان و اهالی فن، دست‌کم به‌عنوان دستاورد و ماحصل فرصت‌های این دوران، قابل دفاع یا افتخار نیست.

سینمای مستندی که برای سیاستگذاران و مدیران، ظاهرا همواره طفیلی دردسرسازی بوده که میل به نخواستنش در عمل و عیان، بر سخنان مدعی خواستنش، غلبه داشته است. نمونه شاهد آن، رفتار خود متولی حوزه سینما با این‌گونه از سینما، در ادوار جشنواره‌ی فیلم فجر بوده است؛ تا جایی که پس از گذشت حدود چهار دهه از جشنواره‌ی فیلم فجر، در بخش سینمای مستند، یک تاریخ‌نگاری و پژوهش کمّی درباره‌ی آن، مثلا در زمینه‌ی ثبت رکورداری، نمی‌توان داشت؛ چراکه در دوره‌هایی، این بخش از جشنواره با اقبال مدیران وقت، صاحب سیمرغ بلورین شده، گاهی در جشنواره حضور داشته و سیمرغ به آن تعلق نگرفته، گاهی هم از اساس ریشه‌کن و حذف شده است. برای نمونه، همین امسال هم که بحث تغییر در نحوه‌ی برگزاری جشنواره‌ی فیلم فجر در شرایط کرونایی مطرح بوده، یکی از اولین گزینه‌های مورد بحث، حذف بخش‌هایی چون مستند بوده است. هرچند در این چندساله هم برخی الزام‌ها به‌عنوان شرایط حضور، این بخش را عملا از همه‌گیری دور کرده است؛ الزام‌هایی همچون ضرورت زمان حداقل یک ساعته که گاه باعث شده فیلمسازانی برای رسیدن به شانس حضور در جشنواره، اصطلاحا آب به فیلم خود ببندند، تا این الزام عجیب که تنها فیلم‌های مستندی در جشنواره‌ی فیلم فجر می‌توانند حضور داشته باشند که در جشنواره‌ی سینما حقیقت حضور داشته یا حایز مقام شده‌اند؛ الزامی که بیشتر، میل به مهندسی رسمی فضا را به ذهن متبار کرده، بی‌میلی به حضور همه‌گیرانه را در این بخش، در نگاه مدیران جشنواره و سازمان بالادستی آن مشهود ساخته است؛ چراکه انگار فرزند دردسرساز را که اتفاقا پولساز هم نیست، در جشن‌های خانوادگی، برای حفظ آبرو، باید پنهان و درِ اتاق را به روی او قفل کرد.

از سوی دیگر، مروری بر فیلم‌های جشنواره‌ی سینما حقیقت در چند سال گذشته، نشان می‌دهد که فیلم‌های حاضر دراین ویترین سینمای مستند ایران، عمدتا درچند دسته قرار می‌گیرند: برخی که آثار بسیار ضعیف هستند و راهیابی آنها به جمع فیلم‌های حاضر در جشنواره، بعضا با تعجب خود عوامل فیلم هم علاوه بر منتقدان، همراه می‌شود. گروهی از فیلم‌ها هم که تعداد آنها مدام در حال رشد است، در قالب و حال و هوای مستندهای تلویزیونی هستند. برخی از فیلم‌ها نیز رویکرد سیاسی دارند که البته در حوزه‌ی جبهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی تعریف می‌شوند. برخی از فیلم‌ها نیز البته هیچکدام از این نوع‌ها نیستند.

حال مساله این است که در این زمینه، در کلیت سیاست‌گذاری‌ها وفعالیت‌های مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و نیز جشنواره‌ی سینما حقیقت، چند پرسش مطرح است:

۱- چرا مخاطب در جشنواره‌ی «سینما حقیقت» تا این حد باید شاهد آثاری با فرمت و قالب فیلم‌های مستند تلویزیونی یا حتا خود فیلم‌های مستند تلویزیونی باشد که بعضا قبلا در تلویزیون پخش شده‌اند؟ با این روند، چه ضرورتی دارد که کم کم، به‌جای تماشای شبکه‌ی مستند تلویزیون، به تماشای فیلم‌های جشنواره فیلم سینما حقیقت بنشینند؟

۲- سینمای مستند سیاسی و منتقد اجتماعی در جشنواره‌ی سینما حقیقت چه سهم و جایگاهی دارد؟ با توجه به اینکه فیلم‌های سیاسی جریان خاصی در این جشنواره سهم و جایگاه تقریبا ثابتی در این سال‌ها داشته است، جایگاه نگاه‌های سیاسی و انتقادی دیگر، ازجمله همان نگرشی که دولت یازدهم و دوازدهم با شعارهای مرتبط به آن اقبال یافت و بر سر کار آمد، در جشنواره‌ای که در دوره‌ی زمامداری اجرایی همین دولت برگزار می‌شود، کجاست و چرا عملا غایب است؟

۳- پرسشگری و مطالبه، نقد قدرت، ایجاد تفکر از طریق طرح پرسش‌ها و نیز حوزه‌ی اندیشه‌ی سیاسی – اجتماعی در قبال وضعیت انسان معاصر، از پایه‌های اساسی و جداناشدنی سینمای مستند است که جشنواره‌های مهم جهانی نیز در انتخاب‌های این سال‌هایشان نشان داده‌اند از منظر مسؤولیت‌های اجتماعی، به این محورها توجه ویژه دارند. چرا سینمای مستند ما روز به روز و سال به سال از این مقوله‌ها جدا و در یک کلام، تهی شده است؟ به‌عنوان یک نمونه‌ی ملایم، همین امسال، چرا در حدود ۲۵ فیلمی که در بخش ویژه‌ی کرونای جشنواره حاضر بودند، هیچ نقد یا حتا پرسشی در زمینه‌ی وضعیت مواجهه‌ی کشور با ویروس کرونا وجود نداشت و همگی فیلم‌ها به‌نوعی به ثبت دانسته‌های همگانی که بر کسی پوشیده نبوده است پرداخته بودند؟ آیا این وضعیت، بیانگر آن الگودهی و محدودسازی نیست که سینمای مستند ما را از هر گونه پرسش و نقدی تهی خواسته و به سمت فرمت فیلم‌های مستند علمی و محیط زیستی تلویزیونی سوق داده است؟

۴- جشنواره‌ی فیلم مستند آمستردام (ایدفا) به‌عنوان مهمترین عرصه‌ی رقابت سینمای مستند جهان، در تمام ادوار خود تا پیش از سال گذشته، ۳ جایزه به سینمای مستند ایران اعطاء کرده بود. پارسال تنها در یک دوره، ۳ جایزه به سینمای مستند ایران اهداء کرد و امسال و در دوره‌ی برگزاری آنلاین نیز ۲ جایزه. چرا امسال رییس محترم مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، به دست آوردن موفقیت در ایدفا را در پیامی رسمی تبریک گفت و پارسال با وجود موفقیت بیشتر، از این امر صرف نظر کرد؟ آیا یکی از دلایل آن، برنده شدن فیلم «خلاف عقربه‌های ساعت» با مضمون سیاسی – اجتماعی از جلال وفایی در کنار فیلم «سایه‌های بی‌خورشید» با مضمون نقد اجتماعی از مهرداد اسکویی نبود؟ چرا در سال گذشته، رییس محترم مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی عملا از برگزاری مراسم تجلیل از افتخارآفرینان ایدفا در محل موزه‌ی سینما، به توصیه‌ی مدیر کل نظارت وارزشیابی سازمان سینمایی و مدیر پیشین رییس مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، جلوگیری کرد؟ آیا صرف مضمون سیاسی یک فیلم، برای مدیران دولتی این حوزه، آن را دردسرساز و خطرناک می‌نماید و درنتیجه پرهیزلازم؟! با توجه به اینکه جلال وفایی در اولین تجربه‌ی فیلمسازی خود به جایزه‌ی مهمترین جشنواره‌ی فیلم مستند جهان (جایزه‌ی بهترین فیلم در بخش فیلم‌های میان‌مدت) دست یافت، این امر نباید موجب شده باشد که رییس محترم مرکز، کنجکاو شود تا آن فیلم را به‌عنوان بخشی از واقعیت و موجودی فعلی سینمای مستند ایران ببیند؟ اگر هم احیانا دیده است، با توجه به شعارها و رویکردهای دولت جاری، هیچ حمایت و واکنشی به سازنده‌ی چنین فیلمی با چنین مضمون سیاسی نباید به هیچ وجه اعمال داشت؟ آیا این بی‌توجهی، خود باعث سوق دادن چنین رویکردهای فیلمسازی به سمت شبکه‌های ماهواره‌ای خارج از کشور نمی‌شود که با اغراض خاص در این زمینه فعالیت کرده، فیلم‌های مستندسازان ایرانی را هم دقیقه‌ای فلان پوند یا یورو خریداری می‌کنند؟ فراموش نکنیم که فیلمسازان سینمای مستند ما با توجه به ویژگی‌های این حوزه، هر کدام با دشواری‌های بسیار اقتصادی اثر تولید می‌کنند و همواره در تنگنای مالی قرار دارند.

۵- آیا رویکرد خاصی از مدیران مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و بالتبع، سازمان سینمایی، به این خروجی منجر می‌شود که تقریبا تمامی نهادها و جریان‌های حاضر در جشنواره‌ی سینما حقیقت، در جوایز آن سهمی به خود اختصاص می‌دهند؟

۶- آیا دخیل بودن مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، به‌عنوان تهیه کننده‌ی برخی از فیلم‌های مسستند محصول سال کشور، در برگزاری جشنواره‌ی سینما حقیقت، شائبه‌هایی در زمینه‌ی چینش هیات محترم داوران، انتخاب فیلم‌های حاضر در جشنواره و بخش رقابتی آن و... نمی‌تواند ایجاد کند؟

۷- علت پذیرفته نشدن برخی فیلم‌های خاص در بخش رقابتی جشنواره، چند درصد دلایل کیفی و چند درصد دلایل حاشیه‌ای دارد؟ در صورتی که علت آن کیفی است، آیا این بدان معناست که سایر فیلم‌های بخش رقابتی جشنواره از این فیلم‌ها کیفیت بهتری دارند، که این‌طور به نظر نمی‌رسد! پس آیا اتهام اعمال نگاه‌های بیرونی و حتا چیدمان فیلم‌ها به نفع آثار تهیه شده در مرکز، بر برخی از این تصمیم‌ها می‌تواند وارد باشد؟

۸- در این دوره از جشنواره، هر دو جایزه‌ی اصلی بهترین فیلم و بهترین کارگردانی به یک فیلم تعلق گرفت. با توجه به اینکه این دو جایزه، از اصلی‌ترین و تاثیرگذارترین جایزه‌های هر جشنواره‌ای محسوب می‌شوند، آیا در جشنواره‌های معتبر جهانی، این امر رایج بوده یا حتا سابقه داشته است؟

از دانلود فیلم ها بترسیم یا نترسیم؟

مدت‌ها پیش از شروع جشنواره سینما حقیقت، گمانه‌زنی های مطرح بود که به دلیل نبود راهی مطمئن برای حفظ امنیت فیلم‌ها در نمایش آنلاین، آیا فیلمسازها حاضر به شرکت دادن فیلم‌های خود در جشنواره هستند یا خیر؟

دست اندرکاران جشنواره که رویدادهای دیگر سینمایی را در حوزه مستند بررسی کرده و تصمیم قاطع به برگزاری آنلاین آن داشتند، به مستندسازان اعلام کردند راه قطعی برای جلوگیری از کپی فیلم‌ها وجود ندارد، اما این امیدواری را داشتند که به دلیل نبود بازار اقتصادی سودآور در سینمای مستند، نه تنها ضربه‌ای به آثار این دوره از جشنواره وارد نشود بلکه سبب فرهنگ‌سازی برای دیدن نسخه مجاز فیلم‌ها، خرید بلیت و همچنین جذب مخاطب بیشتر شود.

اگرچه نتیجه این سرمایه گذاری فرهنگی از سوی مدیران سینمایی و نیز مستندسازان در آینده بیشتر مشخص می‌شود، اما اتفاقاتی در این میان رخ داده که اشاره به آن‌ها می‌تواند برای برنامه‌ریزی و استفاده از خدمات آنلاین در حوزه نمایش سینمای مستند کمک‌کننده باشد.

یکی از اولین مسائلی که در نخستین روز جشنواره فیلم حقیقت به چشم آمد، ضعف زیرساخت‌های اینترنتی در کشور بود که نشان می‌داد نه تنها در شهرهای مختلف کشور امکان دسترسی راحت به اینترنت و تماشای فیلم‌ها بدون قطع و وصل شدن پیاپی وجود ندارد، بلکه حتی در همین پایتخت هم این مشکل سبب برهم خوردن آرامش بعضی تماشاگرانی شد که در روز اول، بیننده فیلم‌های جشنواره در پلتفرم‌های کمتر شناخته شده بودند و همین سرعت کم برخی را به سمت دانلود فیلم سوق داد تا دست‌کم راحت‌تر فیلم ببینند.

یکی از سازندگان فیلم‌های مستند این دوره از جشنواره که فیلمش را از سایت مربوط به «خانه جشنواره» دانلود کرده بودند، به خبرنگار ایسنا گفت، یکی از همکارانش با او تماس گرفته و گفته به دلیل سرعت پایین اینترنت و قطع شدن مداوم فیلم در حین تماشا، آن را دانلود کرده تا بعدا راحت تماشا کند. این کارگردان آنقدر از این اتفاق و راحت انجام شدن دانلود شوکه شده بود که از پخش فیلمش در پلتفرم‌های مردمی که ابراز پشیمانی می‌کرد. با این حال تاکنون خبری رسمی از پخش غیرمجاز و گسترده فیلمی از جشنواره گزارش نشده است.

در مقابل کسانی که از بابت امنیت فیلم خود نگران بودند، عده ای دیگر که تعدادشان هم کم نیست، براین باورند که نمایش آنلاین فیلم‌های مستند برای دوره‌های بعد جشنواره حتماً باید در کنار بخش فیزیکی وجود داشته باشد.

این اظهارنظرها بهانه‌ای شد تا با تمام شدن جشنواره نظر چند فیلمساز را جویا شویم.

«سینما حقیقت» محفلی برای مستندسازها بود

میثم صبوحی کارگردان مستند «حلب دریا ندارد» گفت: تمام لطف جشنواره به حضوری برگزار شدن آن است. جشنواره حقیقت هر سال محفلی است برای دیدن مستندسازان، فیلم‌ها و مخاطبان. چنین فضایی برای فیلم‌های مستند خیلی کم پیش می‌آید هر چند امسال چاره دیگر نبود و آنلاین بودن، بهتر از برگزار نشدنش بود.

او افزود: این شیوه خوبی‌هایی هم داشت و برای من بسیار جالب بود که فیلم ها را با آرامش و در فضای راحتی دیدم. حتی می‌توانستم بعضی‌ها را چند بار ببینم و مجبور نبودم به سالنی بروم که نمی‌دانستم اصلاً جا دارد یا نه. البته پیش از دیدن فیلم‌های ایرانی هر روز کارهای بخش‌بین‌الملل را که یکی از ویژگی‌های جذاب جشنواره بود می‌دیدم.

بستن آی‌پی‌های خارجی غیرحرفه‌ای بود

تیمور قادری - کارگردان مستند کوتاه «گاندو» - که خودش هم دستی در پخش بین‌المللی فیلم‌ها دارد، گفت: این اولین بار بود که پس از شیوع کرونا جشنواره‌ی فیلمی آنلاین برگزار می‌شد و برای من یک رویداد وطنی حرفه‌ای بود. اما متاسفانه امکان پخش در خارج از کشور نداشت و من تلاش کردم کاربری و رمز خود را در پنل جشنواره به دوستی در خارج از کشور بدهم که نشد. با این حال کسانی را می شناختم که پول به اندازه کافی برای خرید بلیت فیلم‌ها نداشتند و من اطلاعات خود در اختیارشان گذاشتم تا فیلم ببینند.

او درباره اینکه آی‌پی پلتفرم‌ها برای جلوگیری از کپی شدن فیلم‌ها و تماشای آثار در سطح داخلی بسته شده بود، افزود: اگر کسی بخواهد فیلمی را کپی کند با نرم‌افزار می‌تواند این کار را انجام دهد و این غیرحرفه‌ای بود که آی‌پی‌های خارجی را ببندند. البته خودم با وی‌پی‌ان که امتحان کردم از آی‌پی کشوری دیگر سایت باز می‌شد.

تیموری ادامه داد: من با برگزاری آنلاین جشنواره بعد از کرونا به شدت موافقم، چون خودم در کیش هستم و با این نمایش آنلاین بسیاری از هزینه‌هایم کم شد. این اتفاق فوق‌العاده است و به نظرم برخی که با این نوع شیوه نمایش مخالف هستند محافظه‌کارند و نمی‌توانند خود را با انقلاب دیجیتال آداپته کنند وگرنه چرا نمی‌شود روی لپ‌تاپ فیلم دید؟ اصلا همین فیلم مرا، اگر جشنواره فیزیکی برگزار می‌شد چند نفر می‌توانستند ببینند؟ نهایتا ۴۰۰ نفر، ولی در نمایش آنلاین مخاطب بیشتری دارد.

هیچ چیز جای پرده سینما را نمی‌گیرد

محسن اسلام زاده - کارگردان «آلوسان» - دیگر فیلمسازی است که معتقد است: هیچ چیزی جای نمایش فیلم روی پرده سینما را نمی‌گیرد.

او گفت: عجیب است که امسال برخلاف سینمای داستانی، مستندهای زیادی تولید شده بود و کارهای خوبی هم به جشنواره رسیدند. به همین دلیل چاره‌ای جز برگزاری با این شیوه آنلاین نبود. اگرچه دیدن فیلم روی سیستم‌های کوچک جذابیت پرده سینما را ندارد ولی نمایش آنلاین برای خود من هم جذاب بود، آن هم بخاطر مخاطبان بیشتری که فیلم‌ها را دیدند و واکنش‌های جالبی از بعضی از آن‌ها گرفتم.

«سینما حقیقت»،سینماست، تلویزیون نیست

و در آخر مهدی شامحمدی - کارگردان مستند «هجده هزار پا» - ابتدا به وضعیت پلتفرم‌های نمایش دهنده فیلم‌ها اشاره کرد و گفت: پلتفرم‌هایی که فیلم‌های جشنواره را نمایش می‌دادند به لحاظ زیرساختی با هم تفاوت زیادی دارند و بعضی از آن‌ها هم بیشتر بین مردم شناخته شده هستند. اما همگی باگ‌هایی دارند که امکان کپی غیرقانونی را به وجود می‌آورد و من گزارش‌های زیادی از دانلود فیلم داشتم، حتی یکی از مخاطبان فیلم خودم در اینستاگرام پیغام داده بود که فیلم را دانلود کرده تا بعدا تماشا کند.

او افزود: واقعیت بزرگ درباره جشنواره حقیقت این است که موفقیتش به‌خاطر پاتوق بودن آن است، جشنواره محلی برای دور هم جمع شدن فیلمسازها و مستندسازها بود که کم کم مردم هم وارد ماجرا شده بودند و تعداد تماشاگران نمایش افزایش یافته بود و صف‌ها طولانی می‌شد. همه این‌ها در کنار هم فضای بهتری را به وجود می‌آورد و «حقیقت» به آن پاتوق بسیار نیاز دارد. خیلی از پروژه‌های بزرگ سال‌های بعد در همان پاتوق شکل می‌گرفت. بسیاری از همکاری‌ها از همانجا شروع و بسیاری از سوژه‌ها در آن پاتوق طراحی می‌شد که با آنلاین شدن جشنواره دیگر این‌ها را نداریم.

یک فنجان چای داغ

خیز خبرساز فیلم‌های جشنواره سی‌ونهم

هرچند کمتر از دو ماه به آغاز برگزاری سی و نهمین جشنواره فیلم فجر باقی مانده و خبرهای متفاوتی درباره برگزاری مهمترین و پرمخاطب‌ترین رویداد هنری سال به گوش می‌رسد اما ۱۰ روز مانده به پایان زمان ارسال آثار همچنان خبری از فیلمسازان خبرساز در جشنواره نیست.

اصغر فرهادی، مسعود کیمیایی، حمید نعمت‌الله، نرگس آبیار و محمدحسین مهدویان از جمله فیلمسازانی هستند که با وجود شرایط سخت کرونا فیلم خود را به پایان رسانده‌اند ولی همچنان برای حضور در جشنواره فیلم فجر فرم این رویداد را پرنکرده‌اند. اما تا کنون استقبال فیلم اولی‌ها از جشنواره بسیار زیاد بوده و حدود ۵۲ فیلم ثبت نام کرده در جشنواره نزدیک به ۲۰ فیلم از کارگردان اولی‌ها است.

اما از میان فیلم‌های در حال تولید که پرکردن فرم جشنواره را رسانه‌ای کردند می توان به فیلم سینمایی مصلحت نظام به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفاه و کارگردانی حسین دارابی اشاره کرد.

این فیلم نخستین تجربه کارگردانی سینمایی حسین دارابی به حساب می‌آید و داستان آن در دهه ۶۰ می‌گذرد.

مصلحت نظام سومین فیلم تولید شده در باشگاه فیلم سوره است که با بازی فرهاد قائمیان، وحید رهبانی، مهدی حسینی‌نیا، مجید نوروزی، امیر نوروزی و نازنین فراهانی در سکوت خبری جلوی دوربین رفت و هم‌اکنون مراحل فنی را برای حضور در جشنواره فیلم فجر طی می کند.

باشگاه فیلم سوره پیش از این فیلم های بیست و یک روز بعد و فیلم جنجالی دیدن این فیلم جرم است را تولید کرده است.

فیلم سینمایی زد و بند به کارگردانی داود نوروزی دیگر اثری است که حضور در جشنواره فیلم فجر آن رسانه ای شده است.

زد و بند نخستین فیلم بلند سینمایی داود نوروزی است که به تهیه‌کنندگی مقصود جباری و با مشارکت بنیاد سینمایی فارابی ساخته شده است.

قصه فیلم با روایتی معمایی به معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌پردازد.

امین زندگانی، هنگامه حمیدزاده، همایون ارشادی، فریبا کوثری، محمدعلی کیانی و سید مهرداد ضیایی از جمله بازیگران این پروژه هستند.

علی میری رامشه هم پس از پایان کارگردانی اتومبیل برای حضور در «فجر ۳۹» اعلام آمادگی کرده است. فیلمبرداری این فیلم پس از ۴۰ جلسه و با رعایت تمام پروتکل های بهداشتی به پایان رسید.

اکبر عبدی، مهدی کوشکی، سحر قریشی، ارسلان قاسمی، نیما شاهرخ شاهی، علیرام نورایی، شهرزاد کمال زاده، آزیتا ترکاشوند، امیر غفارمنش، ستاره آروین، سیدشعیب جلالی، رضا داودی، زهرا عماد، اکبر طارمی، سجاد اقدسی و بازیگر خردسال سانیا حیدری بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

فیلم سینمایی شهربانو به کارگردانی مریم بحرالعلومی نیز برای ارائه به سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر آماده شد.

شهربانو به تهیه‌کنندگی پگاه احمدی و با مشارکت بنیاد سینمایی فارابی ساخته شده است.«شهربانو» فیلمی مادرانه با مضمونی آسیب‌شناسانه و اجتماعی است که مبتنی بر چالشی در یک خانواده روایت می‌شود.

بانک زده‌ها که یک کمدی سیاه است نیز به عنوان نماینده سینمای کمدی ایران فرم جشنواره را پرکرده است.

فیلمبرداری این فیلم به نویسندگی و کارگردانی جواد اردکانی و تهیه‌کنندگی علی رویین‌تن با رعایت پروتکل‌های بهداشتی به پایان رسید.

نسرین مقانلو، قاسم زارع، میرطاهر مظلومی، علی انصاریان، بیژن بنفشه خواه، منوچهر زرگر، پارمیدا قریشی، مینا عبدی، مسعود محمودی، پروین ملکی، الناز عبدی و سحر قریشی بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

فیلم سینمایی لیپار که اولین فیلم بلند حسین ریگی است این روزها با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در چابهار در حال فیلمبرداری است و تدوین این فیلم همزمان با فیلمبرداری توسط مهدی سعدی آغاز شده است.

سازندگان این اثر نیز در تلاش هستند که آن را برای حضور در سی و نهمین جشنواره ملی فیلم فجر آماده کنند.

مهران احمدی و بهناز جعفری بازیگرانی هستند که تاکنون مقابل دوربین این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند.

فیلمنامه این فیلم به طور مشترک توسط حسین ریگی و حسام فرهمندجو نوشته شده است.

لیپار تصویرگر چهره تازه و با طراوتی از استان سیستان و بلوچستان است.

فیلم سینمایی گل به خودی که به تازگی تدوین آن پایان یافته از دیگر آثاری است که برای رقابت در جشنواره فیلم فجر آماده می شود.

گل به خودی به کارگردانی احمد تجری با بازی هنرمندانی چون ابوالفضل رجبی، رایان سرلک، ال آی بشارت، آزینا تجری و محمدرضا علی‌نیا به عنوان بازیگران کودک ساخته شده است.

این فیلم که به نوعی نماینده سینمای کودک در جشنواره است از هنرمندان مطرحی چون شقایق فراهانی، نسیم ادبی، علی استادی، ستاره حسینی، مهسا ایرانیان، پانته‌آ خادمی و غزاله اکرمی استفاده کرده است.

بابا سیبیلو نخستین تجربه کارگردانی ادوین خاچیکیان نیز دیگر نماینده سینمای کودک در سی و نهمین جشنواره فیلم فجر است.

بابا سیبیلو یک کمدی خانوادگی است که در آن از کودک ۵ ساله تا پیرمرد ۱۰۰ ساله نقش آفرینی دارند و در طول قصه ماجراهایی را رقم می زنند. فیلم یک کمدی شاد و سلامت مناسب برای تمام اعضای خانواده است.

لواسان، شهرک غرب، نیاوران، مهرشهر، باشگاه انقلاب و جاجرود از لوکیشن های اصلی این فیلم بودند.

رضا شفیعی جم، بهاره رهنما، امیرحسین صدیق، رز رضوی، امیر نوری، یوسف صیادی، پارسیا شکوری، محمدطاها بهروزپور، خشایار راد، علی کاظمی، عباس محبوب، اردشیر کاظمی، هانیه غلامی، مهرگان علوی، محمدرضا احمدی، فرهاد ریش سفیدی، آوا دهقانی، محمد پناهی، محمد سجاد عسگری، مهدی هاشم پور، زهرا گلدوست، شهلا سرشار، احمد یاوری شاد، احسان پرفکت، مرتضی دلداده، حسین روزبه، حسینعلی قورچی، یگانه ظرافتی و ابوالفضل قهرمانی بازیگران فیلم سینمایی «بابا سیبیلو» هستند.

اما در کنار این آثار این روزها اصغر فرهادی فیلم قهرمان را در شیراز در دست تولید دارد. مسعود کیمیایی خائن‌کشی را با اقتباس از یک کاراکتر واقعی تاریخ معاصر کلید زده است. محمدحسین مهدویان شیشلیک را به‌عنوان اولین فیلم کمدی کارنامه‌اش در مراحل پایانی تولید دارد. نرگس آبیار ابلق را در سکوت کامل خبری کارگردانی کرده است. حمید نعمت‌الله فیلم جنجالی قاتل و وحشی را که به دلیل حواشی از حضور در جشنواره گذشته فجر بازماند، آماده عرضه به جشنواره سی‌ونهم کرده است.

حتما با حضور این کارگردانان سینما تنور جشنواره فیلم فجر سی و نهم بیش از بیش گرم خواهد شد و باید ماند و دید که آیا با این شرایط خاص جشنواره به جهت شیوع کرونا درنهایت این کارگردانان سینما حاضر به شرکت دادن فیلم های خود در جشنواره خواهند شد یا خیر؟

آگهی مناقصه عمومی

نوبت دوم

شهرداری شهر قدس در نظر دارد نسبت به ادامه تکمیل سوله مدیریت بهران با برآورد اولیه ۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از طریق مناقصه عمومی وعقدپیمان با پیمانکار حائز صلاحیت (شرکتهای دارای حداقل رتبه ۵ ابنیه) اقدام نماید .
متقاضیان می توانند ظرف مدت ۱۰ روز کاری از تاریخ چاپ نوبت دوم آگهی که به فاصله یک هفته از نوبت اول چاپ خواهد شد با مراجعه به امور قراردادهای شهرداری واقع در : شهرداری ، بلوار انقلاب اسلامی ، بلوار جمهوری ، بلوار تولید گران ساختمان مرکزی شهرداری قدس ، طبقه دوم با ارائه معرفینامه نسبت به دریافت وتحویل اوراق مناقصه اقدام نمایند .
-خرید اوراق مناقصه به مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال قابل واریز به حساب ۰۱۰۵۷۰۸۲۹۸۰۰۰ بانک ملی شعبه شهرداری شهرقدس
-سپرده شرکت در مناقصه معادل ۵ درصد برآورد اولیه به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال وبه صورت سپرده نقدی یا ضمانتنامه معتبر بانکی می باشد .
-سپرده نفرات اول تا سوم تا زمان انعقاد قرار داد مسترد نمی گردد .
-شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات مختار است .
هزینه آگهی برعهده برنده مناقصه است .
متقاضیان قبل از دریافت اسناد ملزم به دریافت تاییدیه ارزیابی HSE از اداره آموزش شهرداری می باشد .
سایر جزئیات در اسناد مناقصه قید گردیده است .

نوبت اول : ۹۹/۹/۳۰
نوبت دوم : ۹۹/۱۰/۷

روابط عمومی شهرداری قدس